

ادامه ی بحث مذکر و مؤنث :

در کلام عرب مواردی که بحث تذکیر و تأنیث در آن ها یکسان می باشد که در سه مورد **قیاسی** می باشد :

۱. **عامه کلمات**؛ زمانی که الفاظ آن ها مورد قصد باشد که در این صورت مذکر بودن به اعتبار **(لفظ)** و مؤنث بودن به اعتبار **(کلمه)** می باشد؛ مانند : (مِنْ يَأْتِي لِمَعَانٍ) یا (مِنْ تَأْتِي لِمَعَانٍ).
۲. **اسماء قبایل**؛ مانند : **عاد، ثمود** و ... که مذکر بودن به اعتبار **(قوم)** و مؤنث بودن به اعتبار **(قبیله)** می باشد؛ مانند : (كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنَّذْرِ) و (أَمَا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ).
۳. **اسماء اجناس**؛ مانند : **نخل**؛ که مذکر بودن به اعتبار **(لفظ)** و مؤنث بودن به اعتبار **(معنی)** می باشد؛ مانند : (كَانَتْهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْفَعٍ) و (كَانَتْهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ).

توجه :

در مواردی تذکیر و تأنیث به طور سماعی یکسان می باشد که ضابطه خاصی **ندارد**؛ مانند : **حال، حانوت، خمر**،

درع، مذهب و ...